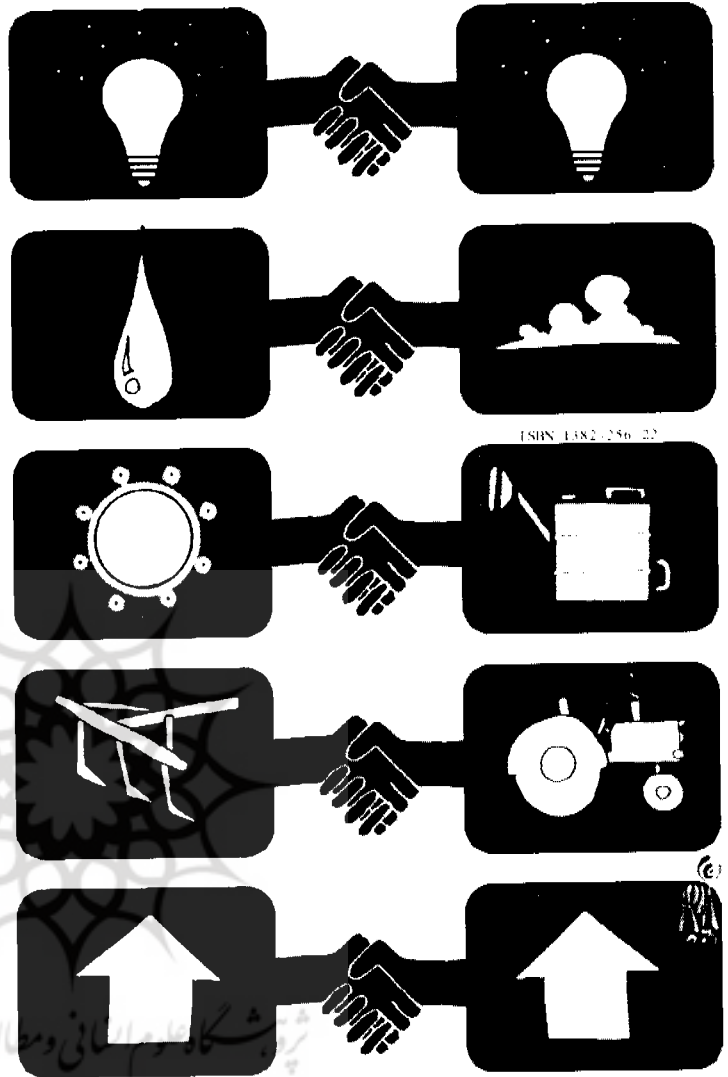


تشکلهای و نظام‌های بهره‌بردار

تعریف و توصیف نظام بهره‌بردار و عناصر تشکیل دهنده آن



قسمت اول

مقدمه

مسئله توسعه روستائی و عناصر مربوط به آن، همواره (چه در گذشته و چه در حال حاضر) مورد توجه خاص برنامه‌ریزان کشور بوده و بویژه در روند اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی ایران جایگاه خاصی را احراز نموده است. ولی درباره چگونگی توسعه مطلوب روستاها، بنحوی که مورد خواست روستائیان و مناسب شرایط توسعه همه جانبه کشور باشد، نظرات متفاوت و گوناگونی توسط دولتمردان، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران ابراز شده و می‌شود. بهمین دلیل یک مجموعه مدون و در حقیقت یک الگوی مشخص توسعه روستائی، بطوریکه بر آن اساس بتوان تمامی مناطق کشور را با خصلت‌ها و ویژگیهای خاص در مسیر یک توسعه همه جانبه و فراگیر تحت پوشش قرار داد، عملاً ناکتون تنظیم و تدوین نگردیده است. آنچه که می‌توان در مجموعه نظرات ابراز شده در زمینه توسعه روستائی بعنوان یک فصل مشترک با نقطه نظر مشابه بر آن قائل شد، همانا برنامه‌ریزی، کوشش و تلاش عملی و فنی است که برای ارتقاء سطح آگاهی‌ها، دانش تجربی و بالاخره مهارتهای فنی روستائیان و کشاورزان بکار گرفته می‌شود. ضرورتاً این امر باید در کلیه زمینه‌هایی باشد که عناصر تشکیل‌دهنده یک زندگی مطمئن و شایسته را برای روستائیان فراهم سازد. به نظر می‌رسد که شناختن و شناساندن صحیح نظامهای آموزشی، ترویجی و ارائه طرحی مناسب که پاسخگوی نیازهای حال و آینده کشور باشد، در حقیقت یک اقدام ضروری، حیاتی و اصیل در قالب هر نوع سیستم کزیده شده مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای مملکت می‌باشد. از آنجائی که ارائه هرگونه طرح و نظام آموزشی مناسب وقتی موفق و پویا است که با کلیه عناصر و ساختار

● دکتر شاپور ظریفیان

استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

● مهندس محمدهادی امیرانی

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی



یک مجموعه مدون و در حقیقت یک الگوی مشخص توسعه

روستائی، بطوریکه بر آن اساس بتوان تمامی مناطق کشور را با خصلت‌ها و ویژگیهای خاص در مسیر یک توسعه همه جانبه و فراگیر تحت پوشش قرار داد، عملاً تاکنون تنظیم و تدوین نگردیده است.



تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف روستائی تطابقهای روانشناختی لازم را داشته باشد، لذا در این گزارش سعی گردیده است که به ترسیم تصویری گویا و شناختی کافی از نظامهای بهره‌برداری و سیر تکامل و تحولات تاریخی آنها در ایران مبادرت گردد تا دست مایه‌ای شایسته و زیربنائی محکم برای تنظیم و تدوین نظامهای مناسب آموزشی و ترویجی که لازمه توسعه روستائی کشور است، باشد.

مشخصه‌ها و عناصر تشکیل دهنده نظام بهره‌برداری

در زبان فارسی اصطلاحات "نظام" و "شیوه" غالباً به یک معنی و به جای یکدیگر به کار برده شده است. از نظر معنی لغوی، اصطلاح "شیوه" به معنای روش، قاعده، رسم، طریقه، اسلوب، گونه، هنجار و... آمده است. در فرهنگ معین "شیوه" به معنای مختلفی نظیر آنچه به آن اشاره شد، ذکر شده است. در ذیل کلمه "نظام" نیز در فرهنگ لغات، عباراتی نظیر روش، نظم و ترتیب، آراستگی، سامان، طریقه، خوی و... یاد شده است. به این ترتیب می‌توان از لحاظ لغوی این دو اصطلاح را با اندک مسامحه‌ای به جای یکدیگر به کار برد. در مورد اصطلاح "بهره‌برداری" نیز معنای مختلفی نظیر سود بردن از چیزی، عمل برداشتن از حاصل زراعت، سهم گرفتن، به فروش رساندن محصول کارخانه و... آمده است.

باین ترتیب می‌توان گفت که از لحاظ معنی لغوی اصطلاحات "نظام بهره‌برداری" و "شیوه تولید" در فارسی به یکدیگر نیز نزدیکند. با این تفاوت که اصطلاح "بهره‌برداری" از اصطلاح "شیوه تولید" وسیعتر است و به اعمال مختلفی نظیر سود بردن، برداشت تولید، انبار کردن و تمتع بردن از محصولات نیز دلالت می‌کند.^۱

اما اصطلاح نظام به گروهی از عناصر بهم پیوسته اطلاق می‌گردد که برای مقصود و منظور خاصی گرد هم آمده است. برای مشخص شدن یک نظام ضرورت دارد که حدود و ثغور آنرا تشخیص داد و از اهداف آن آگاه بود. خواه این اهداف از قبل طرح‌ریزی شده باشد و یا از وضعی که در درون آن رخ می‌دهد استنباط شود.

در فرهنگ علوم اجتماعی آلن پیرو، "نظام" در معنای عام به مجموعه‌ای از عناصر مادی و غیرمادی که از نظم منطقی و اغلب لزوماً وابسته به یکدیگر تشکیل شده باشد و یا مجموعه‌ای از عناصر که به یکدیگر چنان آمیخته‌اند که کلیتی بهم پیوسته می‌سازند و انجام کارهای خاص را امکان‌پذیر می‌سازد، اطلاق شده است. بطور کلی می‌توان نظام را چنین تعریف کرد:^۲

هدف از نظام شکل خاصی از روابط بهم پیوسته، غیرمستقل و هم‌آهنگ است که دارای قاعده، نظم و منطبق باشد یعنی مجموعه تفکیک‌ناپذیر از اجزاء متعامل و وجود تعامل مانع از آن است که اجزاء نظام بصورت انفرادی عمل نمایند.

هر نظام معمولاً خود جزئی از نظام بزرگتر است و می‌تواند به نظامهای کوچکتر تقسیم شود. پس نظام مجموعه‌ایست متشکل از کنش و واکنش تعدادی از اجزاء که روابط آنان با یکدیگر را کانونی مشترک و یا کانونهایی بهم پیوسته سامان می‌دهد. بدینسان می‌توان شبکه بهم پیوسته مناسبات را در سطحی خرد (گروهها) و کلان (جوامع) مشاهده کرد و سنجدید. نظامهای اجتماعی واجد ساختار (منزله‌ها و نقشهای بهم پیوسته) و کارکرد (به معنای الگوهای عمل و

تعامل) هستند و در عین پایداری، تحول‌پذیر نیز می‌باشند.

معمولاً نظامهای اجتماعی بطور کلی و نظامهای بهره‌برداری بطور خاص چهار وظیفه مهم بر عهده دارند:

- الف- تولید
- ب- نگهداری
- ج- سازگاری
- د- نظارت

تولید ناظر بر فرایند اصلی نظام است. وظیفه نگهداری، حفظ و حراست ساختار درونی نظام است. سازگاری، بقا و انطباق نظام را در بلندمدت تضمین می‌کند و سرانجام نظارت به معنای مدیریت یا کاربرد قدرت برای هماهنگ کردن فعالیت‌های نظام و رفع تعارض‌های درونی آن است. به این ترتیب نظام بهره‌برداری به مجموعه رویه‌های حقوقی و عرفی فنی و مدیریتی در استفاده و تلفیق از عوامل تولید (کار، زمین، سرمایه، ابزار ...) در قالب سازمان کار و مناسبات اجتماعی به منظور تولید محصولات زراعی و عرضه آن به بازار تعریف شده است.^۳ بطور کلی نظامهای بهره‌برداری به عنوان بخشی از اقتصاد مرتبط و وابسته به نظام مسلط در جامعه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. این وابستگی به دو معنی است:

یکم. نظام بهره‌برداری به عنوان یک موضوع حقوقی مرتبط با نظام اصلی هر جامعه بایستی خود را منطبق و متجانس با آن نماید.

دوم. نظام بهره‌برداری در رابطه با ضرورت اقتصادی در هر مرحله تکاملی بایستی پاسخگوی زمان خود باشد. با این وصف نظام بهره‌برداری پدیده‌ایست که دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی می‌باشد.^۴

دیدگاههای نظری مهم پیرامون نظامهای بهره‌برداری زمین

در واژگان توسعه کشاورزی "شیوه تولید" برای بیان ویژگیهای ساختاری و "نظام بهره‌برداری" برای نشان دادن



مسئله توسعه

روستائی و عناصر

مربوط به آن، همواره

(چه در گذشته و چه در حال

حاضر) مورد توجه خاص

برنامه‌ریزان کشور بوده و

بویژه در روند اجرای

برنامه‌های توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی دولت

جمهوری اسلامی ایران جایگاه

خاصی را احراز نموده است.

از آنجائی که ارائه هرگونه طرح و نظام آموزشی مناسب وقتی موفق و پویا است که با کلیه عناصر و ساختار تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف روستائی تطابقهای روانشناختی لازم را داشته باشد، لذا در این گزارش سعی گردیده است که به ترسیم تصویری گویا و شناختی کافی از نظامهای بهره‌برداری و سیر تکامل و تحولات تاریخی آنها در ایران مبادرت گردد.



اشکال بهره‌برداری از منابع تولید به کار می‌رود. شیوه تولید متضمن استفاده از نوعی تکنولوژی و نوعی روابط اجتماعی است. شیوه تولید تنها بخش روستائی و کشاورزی و چگونگی تحول ساختاری آن را در بر نمی‌گیرد بلکه ارتباط ارگانیک این بخش را با سایر بخشهای جامعه و شکل‌بندی اجتماعی حاصل از آن را نیز دربردارد. تولید فرآیندی است که طی آن افراد با اعمال نیروی کار به کمک ابزار تولید در موضوع کار (که در اینجا زمین، آب... است) تغییراتی را به وجود آورده و از محصول و یا منافع اقتصادی به دست آمده استفاده می‌کنند. ابزار کار و موضوع کار در مجموع ابزار تولید می‌گویند. اما روند تولید نیاز به مشارکت افراد دارد. این مشارکت نوعی روابط اجتماعی تولید را ایجاد می‌کند. مناسبات اجتماعی تولید دارای دو وجه است. وجهی از مناسبات، بر کنترل ابزار دلالت می‌کند و وجه دیگر آن به مناسبات میان افراد در روند تولید اشارت دارد. هر شیوه تولید متضمن استفاده از نوعی تکنولوژی و نوعی روابط اجتماعی است. در این زمینه به معرفی خلاصه نظر چند صاحب نام اکتفا می‌شود:

به نظر "لانگ" شیوه تولید مجموعه‌ای (COMPLEX) است متشکل از نیروهای تولید (قواعد فنی منابع، ابزار کار و نیروی کار) و روابط اجتماعی تولید. نامبرده ویژگیهای کشورهای جهان سوم را حاصل برخورد شیوه تولید سرمایه‌داری با شیوه‌های تولید غیر سرمایه‌داری در مراحل مختلف توسعه اقتصادی می‌داند. به این معنی شیوه تولید، کل نظام اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را دربرمی‌گیرد. این پژوهشگر معنی محدودتر شیوه تولید را نیز که بر اساس انواع روابط اجتماعی در درون بخش "دهقانی - کشاورزی" ایجاد می‌شود، از نظر دور نمی‌دارد.^۵ بر این اساس، دهقان در عین حال که دارای قطعه زمین متعلق به خود است و به شیوه بهره‌برداری دهقانی از آن استفاده می‌کند، ممکن است در یک واحد مکانیزه نیز به عنوان کارگر کشاورزی به مزدگیری بپردازد و بدین ترتیب وارد نوعی شیوه تولید مبتنی بر روابط سرمایه‌داری شود. به نظر وی هر شیوه تولید دربرگیرنده سطح معینی از تکنولوژی و نوعی روابط اجتماعی است که بدست آوردن محصول بر پایه آن قوام می‌گیرد. در این مفهوم "شیوه تولید" به "نظام بهره‌برداری" به معنای مجموعه‌ای از عناصر (منابع طبیعی، تکنولوژی، نیروی کار - سازمان اجتماعی و...) که دارای روابط متقابلند و نظامها یا کل‌های ارگانیک را به وجود می‌آورند نزدیکتر است.^۶ به اعتقاد "تیلور" شکل‌بندیهای اجتماعی (SOCIAL FORMATION) جهان سوم بر اثر نفوذ سرمایه‌ای جهانی به آمیزه‌ای از شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و غیر سرمایه‌داری تبدیل شده است. نظام تولیدی غالب در آنها سرمایه‌داری است.^۷



در مقابل این دیدگاه، "چایانوف" با اشاره به جامعه روسیه قبل از انقلاب ۱۹۱۷ مواردی را ذکر می‌کند که در آن بهره‌برداری دهقانی عملاً واحدهای بزرگ سرمایه‌داری را در خود هضم کرده‌اند.

"چایانوف" می‌گوید که در دوره ۱۸۶۱ تا انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه "بهره‌برداری دهقانی" عملاً واحدهای بزرگ سرمایه‌داری را منهدم کرده‌اند. زیرا دهقانان کم‌زمین، در مقایسه با کشاورزان سرمایه‌دار که قیمت زمین را تنها بر اساس رانت اقتصادی آن محاسبه می‌کردند، حاضر به پرداخت قیمت‌های بیشتری برای زمین بودند. این وضع موجب شد که زمین‌های وسیع حراج شده و به دست دهقانان بیفتند.^۸

"چایانوف" در نظریه خود پیرامون نظامهای بهره‌برداری از زمین، توجه خاصی به منحصر به فرد بودن هر یک از نظامهای بهره‌برداری مبذول می‌دارد. وی می‌گوید: "هر یک از نظامهای بهره‌برداری سرمایه‌داری، خانوادگی، سهم‌بری، فتودالی و اشتراکی طبیعتاً و عمیقاً منحصر به فرد است به همین دلیل تمامی تلاشها برای ارائه یک قالب نظری عمومی معتبر نافرجام مانده است."^۹

بطور کلی تعریف و طبقه‌بندیهای دقیق از نظامهای مختلف بهره‌برداری از زمین، کار دشواری است و نویسندگان گوناگون با توجه به ملاک‌های مختلف تعاریف و طبقه‌بندی‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند که اهم آنها به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. طبقه‌بندی ملر (MELLER)

"ملر" بر اساس ملاک نوع مالکیت، نظامهای بهره‌برداری از زمین را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

- نظام بهره‌برداری مبتنی بر مالکیت زارع بر زمین:
- در این نظام تمامی حقوق استفاده و کنترل زمین در اختیار خانواده زارع است که تأمین‌کننده اصلی نیروی کار مورد نیاز تولید است. اندازه خانوار متفاوت و در برخی از موارد چند خانوار در یک واحد بهره‌برداری متمرکز می‌شوند.
- نظام مالک و زارع:

در این نظام مالکیت زمین مجزا از نحوه مدیریت و کشت و کار است. در یک طرف طیف متنوع این نظام، مالک صرفاً تأمین‌کننده زمین است و مستاجر تمام عوامل مربوط به کار و مدیریت تولید را نیز بعهده می‌گیرد. در طرف مقابل، مالک زمین بیشترین سهم مدیریت را نیز بعهده دارد. این نظام به طرف نظام بزرگ مالکی سوق

در زبان فارسی اصطلاحات "نظام" و "شیوه" غالباً به یک معنی و به جای یکدیگر به کار برده شده است. از نظر معنی لغوی، اصطلاح "شیوه" به معنای روش، قاعده، رسم، طریقه، اسلوب، گونه، هنجار و... آمده است.



پیدا می‌کند.

نظام مزارع وسیع بزرگ مالکی:

در این نظام مالکیت زمین خصوصی است و صاحبان زمین، مدیریت تولید را نیز برعهده دارند. حجم کار مدیریت به اندازه‌های زیاد است که مالک (یا مالکین) تمام وقت خود را مصروف امور مدیریت و سرپرستی می‌کند. ممکن است مسئولیت فوق به یک مدیر استخدامی (مباشراً) سپرده شود. وجه تمایز این نظام و نظام مالک و زارع، حجم کار مصرفی و تقسیم وظائف بطور تخصصی میان کارگر و مدیریت است.

نظام تعاونی:

نظام تعاونی، گستره‌ای وسیع از درجات مختلف همکاری در انجام فعالیتها را شامل می‌شود. دامنه این نظام از واحدهائی که در آنها کار جمعی فقط در تعدادی فعالیت‌های فرعی صورت می‌گیرد شروع می‌شود و به حالتی که در آن زارعین تمام فعالیت‌های زراعی و تصمیم‌گیری را بطور کامل بصورت جمعی و تعاونی انجام می‌دهند، ختم می‌گردد.

نظام اشتراکی:

در این نظام مالکیت زمین در اختیار یک مجموعه اشتراکی است. دامنه این نظام از حالتی شروع می‌شود که در آن مالکیت خصوصی بطور مطلق نفی می‌شود و به حالتی ختم می‌شود که در آن برای دستیابی به اهداف خاصی (مثلاً افزایش کارائی تولید و توزیع) حقوق مالکیت خصوصی علی‌الظاهر به کنار نهاده می‌شود. وجه تمایز این نوع بهره‌برداری و زراعت تعاونی در فقدان مالکیت خصوصی است.

نظام دولتی:

در این نظام، مالکیت زمین و ابزار تولید در اختیار دولت است و کارگران معمولاً روزمزد هستند.^{۱۰}

۲. نظریه گالسکی

گالسکی از زمره پژوهشگران روستائی است که در باب زراعت‌های جمعی به تحقیق پرداخت است. از نظر نامبرده زراعت‌های گروهی را می‌توان با توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن در چهار گروه به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:^{۱۱}

– زراعت‌های جمعی که بوسیله معتقدان به مکتب خاصی شکل می‌گیرد و در آن اهداف غیراقتصادی نسبت به اهداف اقتصادی از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردار است مانند کمون‌های مذهبی، مزارع گروهی معتقدان به مکتب‌های اشتراکی، مزارع گروهی کسانی که تمدن صنعتی یا سیستم ارزشهای وابسته به آنرا نفی می‌کنند. این مزارع یک وجه اشتراک دارند و آن رسیدن به هدف‌های ایدئولوژیک خاص است. هر چند که ممکن است دستاوردهای اقتصادی جالب توجهی نیز دربرداشته باشد.

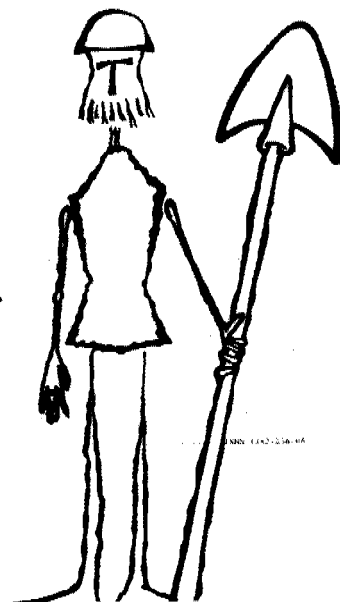
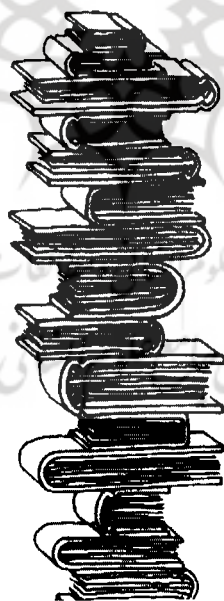
– زراعت‌های جمعی که بوسیله خانوارهای بی‌زمین ایجاد می‌شود. این گروه قادر به خرید زمین هستند ولی توان مادی و یا حتی کشت و زرع فردی را ندارند مانند کسانی که بر اثر اصلاحات ارضی صاحب زمین شده ولی سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف کشاورزی را ندارند. این افراد ممکن است تجربه ناچیزی در زمینه مدیریت داشته و یا در کشت و زرع، افراد کارآمدی نباشند و از وجوه اشتراک آنان نداشتن زمین قبل از عضویت در گروه است. در اینجا مسئله وابستگی ایدئولوژیک چندان مطرح نیست، ولی کار گروهی می‌تواند در کاهش مشکلات کشاورزی آنان مؤثر باشد.

– زراعت‌های گروهی و یا جمعی معمولاً بوسیله دولت‌ها سازمان می‌یابد تا به هدف‌های اقتصادی و اجتماعی معینی در سطح ملی دست یابد. در تشکیل این مزارع و سازمان‌بخشی آن، دهقانان نقشی ندارند. مخالفت و یا موافقت روستائیان با اینگونه زراعت‌های جمعی چندان تأثیری در سازماندهی آن توسط دولت ندارد. در هر حال تشکیل چنین واحدهایی به ابتکار دهقانان صورت نمی‌گیرد. معمولاً زراعت گروهی می‌تواند بر تولید، مصرف و قیمت مواد خوراکی اثر گذاشته و امکان استفاده از نیروی کار را در سایر بخش‌های اقتصادی به ویژه صنعت فراهم آورد. از نظر سیاسی نیز امکان کنترل سیاسی و اعمال مدیریت بر توده‌های تولیدکننده خرده‌پای قبلی را افزایش می‌بخشد. در برخی از کشورهای سوسیالیستی کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی به دلیل توسعه صنایع عامل محرکه اصلی در ایجاد واحدهای بزرگ زراعتی جمعی است.

– زراعت‌های گروهی بوسیله زارعین بوجود می‌آید تا از مزایای تولید و واحد بزرگ یعنی کاهش هزینه بهره‌وری بیشتر از عوامل تولید بهره‌مند گردد و از این راه درآمد بیشتری نصیب دهقانان شود. این نوع زراعت گروهی با سایر انواع ذکر شده شکل کاملاً متفاوتی داشته و در کنار بازارهای رقابتی تولید نظیر سرمایه به حیات خود ادامه می‌دهند. به این ترتیب زارعان با ادغام منابع تولید، زمین و نیروی کار تولید خود را ارزانتر تمام کرده و منافع بیشتری در بازار بدست می‌آورند.



به نظر می‌رسد که شناختن و شناساندن صحیح نظام‌های آموزشی، ترویجی و ارائه طرحی مناسب که پاسخگوی نیازهای حال و آینده کشور باشد، در حقیقت یک اقدام ضروری، حیاتی و امیل در قالب هر نوع سیستم گزیده شده مناسب برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای مملکت می‌باشد.



۳. نظریه تنودور شانین

شانین^{۱۲}، جامعه‌شناسی است که مطالعاتش بیشتر پیرامون بهره‌برداری دهقانی متمرکز شده است. از نظر وی بهره‌برداری دهقانی یک سازمان اجتماعی چند بعدی است. خانواده تقریباً تمامی نیروی کار مورد نیاز واحد تولیدی را فراهم می‌کند. واحد بهره‌برداری خانوادگی، یک واحد مصرف نیز به شمار می‌رود و واحدی خودکفاست.

تقسیم کار با ساخت خانواده در ارتباط بوده و بر اساس سن و جنس مشخص می‌شود. زمین منبع اصلی تأمین معاش است و بیشترین نیازهای مصرفی خانواده از آن بدست می‌آید. زراعت به شیوه سنتی انجام می‌گیرد و با تخصص کمی همراه است. تولیدات زراعی و دامی منابع اصلی درآمد به شمار می‌روند. برخی از دهقانان نیز به صنایع دستی و معامله‌گری به عنوان منبع تکمیلی درآمد خانواده روی می‌آورند.

میزان زمین در قشریندی اجتماعی خانواده نقش اساسی به عهده دارد. سرمایه در اقتصاد دهقانی بسیار ناچیز است. اعتبارات سازمان یافته کشاورزی معمولاً برای دهقانان مهیا نیست. پدر خانواده مباشرت امور مزرعه را در یک سیستم روابط مبتنی بر پدرسالاری به عهده دارد و وظائف تولیدی خانواده از یک سری فعالیت‌های مربوط به هم در مزرعه و خانه تشکیل می‌شود. پدر در عین حال سمت مربی خانواده را در روند فراگیری این وظائف توسط سایر اعضای خانواده به عهده دارد.

به نظر وی در اقتصاد دهقانی واحد اقتصادی پایه "خانواده دهقان" است. خانوار دهقانی با خانواده هسته‌ای که مشخصه شهرنشینی است، تفاوت دارد و غالباً تعداد کثیری از اعضای را دربرمی‌گیرد که به واسطه وابستگی‌های خویشاوندی نسبی یا سببی به یکدیگر پیوسته‌اند و نسل‌های مختلفی را شامل می‌شوند. استفاده از نیروی کار در مزرعه فقط یکی از شقوق متعددی است که ضمن آن اعضاء خانوار دهقانی، فعالانه برای امرار معاش خود می‌کوشد.

رودلف استیون هیگن^{۱۳}، تفاوتی میان بهره‌برداری دهقانی و بهره‌برداری خانوادگی قائل است. وی می‌گوید:

مزارع خانوادگی یا مالکین خودکار، معمولاً موسسات تجاری مستقل و متوسطی هستند که از سطح بالایی از تکنولوژی برخوردار بوده و در مواقع ضروری با بهره‌گیری از کارگران مزدبگیر به تولید می‌پردازند. این واحدها توسط صاحبان واحد بهره‌برداری اداره می‌شوند. در این مزارع منابع با حداکثر کارائی مورد استفاده قرار گرفته و درآمد کافی برای خانوار فراهم می‌کند، کلیه تصمیمات مربوط به میزان زمین زیر کشت، نوع محصول، بازاریابی و مدیریت واحد تولید، توسط خود بهره‌بردار اتخاذ می‌شود. گاهی انواع زراعت را با یکدیگر تلفیق کرده و یا نوع محصول را تغییر می‌دهند. از انواع کودهای شیمیایی و بذرهای اصلاح شده استفاده کرده و محصولات خود را به بازار عرضه می‌دانند. این شکل از بهره‌برداری‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته، چندان زیاد نیست.

شناسایی انواع نظام‌های بهره‌برداری موجود

نظام‌های بهره‌برداری از زمین را که در جهان و ایران شناخته شده و بیش از همه عمومیت دارند، می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

۱. نظام‌های بهره‌برداری از زمین در سطح جهان

الف. مزارع خانوادگی یا مالکین خودکار

این بهره‌بردارها معمولاً موسسات تجاری مستقل و متوسطی هستند که از سطح بالایی از تکنولوژی و مکانیزاسیون برخوردار بوده و با بهره‌گیری از کارگران مزدبگیر در مواقع ضروری عمدتاً توسط صاحبان واحد بهره‌برداری اداره می‌شوند. در این مزارع منابع با حداکثر کارائی مورد استفاده قرار گرفته و درآمد کافی برای خانوار فراهم می‌کنند کلیه تصمیمات مربوط به میزان زیر کشت، نوع محصول، بازاریابی و مدیریت واحد تولید توسط خود بهره‌بردار اتخاذ می‌شود. گاهی انواع زراعت را با یکدیگر تلفیق کرده و یا نوع محصول را تغییر می‌دهند و از انواع کودهای شیمیایی و بذرهای اصلاح شده استفاده کرده و محصولات خود را به بازار عرضه می‌دارند. این شکل از بهره‌برداری‌ها در کشورهای توسعه نیافته، چندان زیاد نیست، زیرا اولاً انحصار زمین در دست عده معدودی قرار دارد، ثانیاً دهقانان سنتی قادر به تشکیل سرمایه نیستند، ثالثاً استفاده از زمین برای تولید محصولات معیشتی یا تولید محصول برای صدور صورت می‌گیرد و رابعاً فقدان همبستگی بین کشاورزی و صنعت در بطن یک بازار داخلی قدرتمند، که این خود یکی از ضروریات اقتصاد مزارع خانوادگی است.

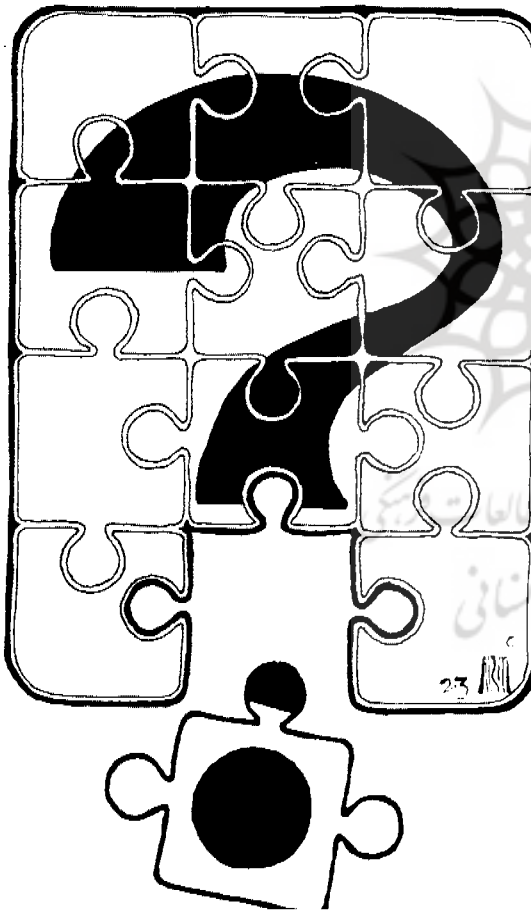
ب. نظام اجاره‌داری

در این نظام، اجاره‌داران بیش از نیاز معیشتی خود تولید کرده و به مالکان بصورت نقدی و یا جنسی اجاره می‌پردازند و مجبور به انجام خدمات و یا بیگاری نیستند. مشخصه این نظام، اقتصاد مبادله‌ای و پولی است. با وجودیکه قرارداد اجاره معمولاً غیرمکتوب می‌باشد ولی منافع اجاره‌دار به دلیل پایگاه اجتماعی تأمین می‌شود. در کشورهای در حال توسعه آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه به دلیل بالا بودن میزان اجاره‌بها، اجاره‌داران نمی‌توانند زمین بیشتری به دست بیاورند، زیرا که اجاره‌بها بطور نقدی از اجاره‌دار دریافت می‌شود و میزان تولید به عهده خود اوست.

پ. نظام‌های جماعتی بهره‌برداری از زمین یا مالکین قبیله‌ای

در این نظام زمین نه ملک خصوصی است و نه کالائی قابل فروش بلکه تحت کنترل اجتماع و یا قبیله بوده و

**نظام بهره‌برداری به
مجموعه رویه‌های
حقوقی و عرفی فنی و
مدیریتی در استفاده و تلفیق
از عوامل تولید (کار، زمین
سرمایه، ابزار ...) در قالب
سازمان کار و مناسبات
اجتماعی به منظور تولید
محصولات زراعی و عرضه آن
به بازار تعریف شده است.**



نظام تعاونی، گستره‌های وسیع از درجات مختلف همکاری در



انجام فعالیتها را شامل می‌شود. دامنه این نظام از واحدهائی که در آنها کار جمعی فقط در تعدادی فعالیتهای فرعی صورت می‌گیرد شروع می‌شود و به حالتی که در آن زارعین تمام فعالیتهای زراعی و تصمیم‌گیری را بطور کامل بصورت جمعی و تعاونی انجام می‌دهند، ختم می‌گردد.

اعضاء بر اساس سنت فقط حق بهره‌برداری از آنرا دارند. رئیس قبیله یا رهبر جامعه تنها متولی زمین به شمار می‌آید و نه مالک آن. حقوق افراد نسبت به زمین بدلیل عضویت دائمی آنان در واحد اجتماعی مربوطه است. این شکل اغلب با تکنولوژی ابتدائی همراه بوده و بهبود در آن امر نامحتمل است. افزایش جمعیت، نسبت زمین به نفر را کاهش داده و باعث مهاجرت و گرایش تبدیل مالکیت گروهی به فردی می‌شود.

ت. بهره‌برداری دهقانی

در این شکل که خاص مناطق پرجمعیت است، زارع یا رأساً مالک زمین است و یا زمین را به شیوه سهم‌بری و یا اجاره‌داری در اختیار دارد و عمدتاً آن را به کمک کار خانوادگی اداره می‌کند. در اینصورت بخش عظیمی از بازده، مزارع به طبقه اجتماعی انگل جامعه، که از حقوق فرعی یا قانونی نسبت به تولید جامعه دهقانی برخوردار است، اختصاص می‌یابد.

در چنین نظامی مالکین علاقه چندانی به نوآوری در کشاورزی ندارند و ترجیح می‌دهند که بصورت مالکین غایب از ده بسر ببرند. بعلاوه از نظر سیاسی محافظه‌کار و اساساً مخالف هرگونه نوسازی هستند، در برخی از کشورهای آسیائی، زنجیره کاملی از اجاره‌داران میانه حال، تولیدکننده بلاواسطه را با زمین‌دار بزرگ مرتبط می‌سازند و تمامی آنان از قبل کار دهقان ارتزاق می‌کنند.

ث. بهره‌برداری مبتنی بر بزرگ مالکی یا فنودالی

زراعت مبتنی بر ملک‌داری وسیع مبین بی‌عدالتی اجتماعی و ستمگری سیاسی - نظامی است که از مشخصه‌های آن نابرابری شدید ثروت و درآمد و پایگاههای اجتماعی بسیار متفاوت زمین‌داران بزرگ و دهقانان می‌باشد. این شکل از بهره‌برداری در اروپای قبل از انقلاب صنعتی متداول بود. رعایا وابسته به زمین و با ملک قابل انتقال بودند. بخش اعظم زمین زراعتی در انحصار گروه کوچکی از نخبگان زمیندار بود که از رعایائی که در این املاک کار می‌کردند، علاوه بر دریافت بهره مالکانه خدمات و بیگاری نیز می‌گرفتند. امروزه در نظام بزرگ مالکی (LATIFUNDIA) در آمریکای لاتین مرغوبترین املاک در دست معدودی از ثروتمندان که معمولاً در املاک خود نیز زندگی نمی‌کنند، متمرکز شده است. در این نظام گاهی به کارگران اجازه داده می‌شود که روی قطعه زمین کوچکی جهت معاش خود کار کنند ولی در عین حال می‌بایست تحت نظارت مالک یا مباشر وی که هیچگونه آموزش مدرن کشاورزی و دامداری ندارد روی املاک مالک کار کنند.^{۱۴}

ج. بهره‌برداری تعاونی

در این سیستم کلیه حقوق مربوط به زمین، وظائف تولیدی و محصولات به دست آمده بطور مشترک در اختیار یک گروه از دهقانان محلی قرار دارد. تعاونیهای خودجوش از گسترش زیادی برخوردار نبوده و از آن نمی‌توان به عنوان یکی از الگوهای عمده تصرف زمین یاد کرد. تعاونیها توسط دولت شکل گرفته و بدون کمک آن مدت زیادی نمی‌توانند دوام بیآورند. واحدهای تعاونی را در کشورهای اروپای شرقی، امریکای مرکزی و خاورمیانه می‌توان مشاهده کرد. انواع متعددی از این تعاونیها بر حسب عوامل مختلفی که اعضاء به مشارکت گذاشته‌اند وجود دارند مانند تعاونیهای زراعی، دامداری، کارگری و غیره. هدف نهایی از این تعاونیها ایجاد زراعت جمعی توسط دهقانانی است که قبلاً به صورت انفرادی کار می‌کردند. انواع مختلف تعاونیها نظیر "آجینو (مکزیک)"، "کیوتس و مشاو (اسرائیل)" و "کلخور (شوری)" تفاوتهای قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر دارند. هر کدام بر اساس جنبه‌ای از مالکیت جمعی و به منظور زراعت اشتراکی تشکیل یافته‌اند.

چ. واحدهای مبتنی بر سرمایه‌داری ارضی

امروزه گرایش فزاینده‌ای به تجاری کردن کشاورزی در جوامع سرمایه‌داری به چشم می‌خورد، بطوری که بیشتر از واحدهای تجاری یا کشت و صنعت صحبت می‌شود. این واحدها را معمولاً موسسات بزرگ تجاری در اختیار دارند و موفقیت آنها بدلیل استفاده از تکنیک‌های مدیریت و ترکیب منطقی عوامل تولید می‌باشد، بطوریکه میزان سود در این واحدها به حد اکثر می‌رسد. نیروی کار مورد استفاده در این واحدها را کارگران روستائی که بطور مزدگیری به کار اشتغال می‌ورزند تشکیل می‌دهند و نه دهقانان سنتی در کشورهای جهان سوم.

مالکیت این واحدها را اغلب موسسات تجاری خارجی دارا می‌باشند و معمولاً به کشت یک یا چند محصول خاص می‌پردازند. این واحدها در کشورهایی که فعالیت دارند، غالباً همچون قلمروهای اقتصادی، جزیره‌وار عمل می‌کنند. واحدهای کشت و صنعت هیچگونه مشابهتی با واحدهای بزرگ زراعی از نوع (LATIFUNDIA) در امریکای لاتین نداشته و وسعت اراضی تحت بهره‌برداری یکی از ویژگیهای آن است. نظیر چنین واحدهای تجاری خصوصی، واحدهای بزرگ تجارتی دولتی است که عمدتاً در کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی دیده می‌شوند در این کشورها بعد از جنگ، قسمتی از زمینهای سلب مالکیت شده به مزارع دولتی اختصاص داده شده است، مانند "کلخور" اتحاد جماهیر شوروی.

واحدهای زراعتی دولتی با استفاده از نیروی کار و کارگر و سرمایه‌گذاری روی ادوات سنگین کشاورزی اداره می‌شوند.

۲. نظامهای بهره‌برداری از زمین در ایران

با توجه به چارچوب نظری که در قسمت اول اشاره شد، در دهه‌های اخیر جامعه دهقانی ایران نیز در معرض تغییرات عمده‌ای از نظر نظام تولید زراعی قرار گرفته است. بعد از اصلاحات ارضی، تا سال ۱۳۴۷، نظام بهره‌برداری اراضی بصورت بهره‌برداریهای شخصی و واحدهای دهقانی و با الگوی مکانیزه بوده است ولی از این سال به بعد، تحت پوشش "عدم توانائی کشاورزان محلی در تأمین سرمایه لازم برای توسعه و عمران کشاورزی"

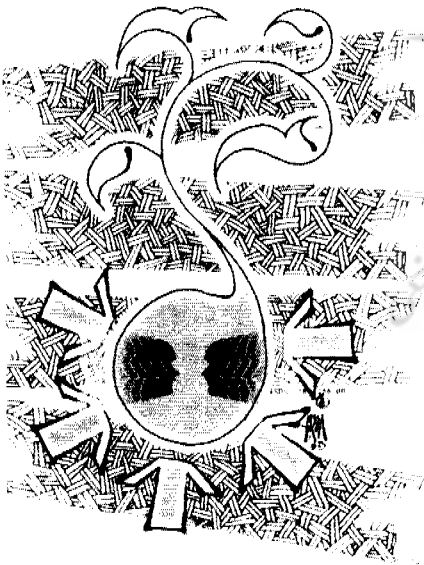


«نظام بهره‌برداری» عبارتست از رویه‌های حقوقی و عرفی در

فراهم آوردن و تلفیق عوامل تولید یعنی تکنولوژی، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معین به منظور تولید یک یا چند فرآورده و عرضه آن.



**زراعت مبتنی بر ملک‌داری
وسیع مبین بی‌عدالتی
اجتماعی و ستمگری سیاسی -
نظامی است که از مشخصه‌های
آن نابرابری شدید ثروت و
درآمد و پایگاه‌های اجتماعی
بسیار متفاوت زمین‌داران
بزرگ و دهقانان می‌باشد. این
شکل از بهره‌برداری در اروپای
قبل از انقلاب صنعتی متداول
بود.**



و با هدف اصلی ایجاد طرح‌های وسیع سرمایه‌طلب (CAPITAL INTENSIVE) دولت به مداخله مستقیم در امور کشاورزی پرداخت و از طریق واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی و نیروی انسانی بیگانه، مبادرت به تأسیس انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین نمود. در این قسمت به عواملی که در تقسیم‌بندی نظام‌های بهره‌برداری از زمین مؤثرند می‌پردازیم و در پایان انواع نظام‌ها را مورد شناسایی قرار می‌دهیم.

در تعریف نظری از نظام بهره‌برداری که قبلاً ارائه شد متغیرهای کیفی متعددی وجود دارد و قابلیت اندازه‌گیری آن زمانی میسر است که بتوان با توجه به نتایج مختلف، این گونه مفاهیم کیفی را به مفاهیم کمی مبدل ساخت. از اینرو با الهام از تعریف نظری مذکور، می‌توان تعریف کاربردی (عملیاتی) نظام بهره‌برداری را چنین بیان کرد: «نظام بهره‌برداری» عبارتست از رویه‌های حقوقی و عرفی در فراهم آوردن و تلفیق عوامل تولید یعنی تکنولوژی، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معین به منظور تولید یک یا چند فرآورده و عرضه آن.^{۱۵} این عوامل با درجات متفاوتی با یکدیگر تلفیق می‌شوند و در نتیجه نوع خاصی از نظام بهره‌برداری را تشکیل می‌دهند که دارای مقیاس خاص خود است. عوامل نهادی و عمده‌ای که تغییر آنها موجب تغییر نظام و معیار تفکیک بین نظام‌هاست عبارتند از:

الف. مالکیت منابع و عوامل تولید شامل: مالکیت آب، زمین، ارزش تجاری آنها، ابزار و ادوات تولید، منابع مالی واحد بهره‌برداری، ساختمانها و تأسیسات، نیروی کار و نهاده‌ها.
ب. رویه‌های حقوقی، عرفی و رسمی شامل: مالکیت یا قبالة رسمی، قواعد مربوط به نسق، نسق‌بندی، حق ابه‌ها، قواعد تقسیم آب، حقوق علف‌چر و...
ج. مقیاس و درجات متفاوت واحد بهره‌برداری از نظر: تکنولوژی، فن، انواع و سطح کاربرد هر کدام و...
د. فاعلیت: شامل تقسیم کار، وضعیت کارگران واحد بهره‌برداری، سازمان کار و مناسبات اجتماعی (نظیر خودکاری، همیاری، کارگری و...) و سازماندهی کار.

م. تولید محصول و عرضه آن: هر نظام بهره‌برداری پیرامون امر تولید سازمان پیدا می‌کند. اما در زمینه عرضه فرآورده‌ها می‌توان رده‌بندی‌هایی را از لحاظ خودمصرفی، فروش (قبل از برداشت و بعد از برداشت و... ارائه کرد.^{۱۶}

با توجه به تعریف فوق می‌توان نظام‌های بهره‌برداری در ایران را به شرح زیر مورد شناسایی قرار داد:
- کشت و صنعت اعم از خصوصی، دولتی و مجتمع‌های شیر و گوشت.
- سرمایه‌داری ارضی، واحدهای تجاری، شرکتهای سهامی زراعی.
- نظام‌های تعاونی شامل: تعاونی تولید روستائی (کلی یا تک‌محصولی)، تعاونی مشاع، تعاونی تولید و مراکز گسترش، تعاونیهای خدمات، تعاونیهای درون‌زا (بنه بنکول،...)
- نظام دهقانی شامل: خرده‌مالکی، دهقانی سهم‌بری، اجاره‌داری، غارس و مالکی.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱. مصطفی ازکیا، نظام‌های بهره‌برداری در ایران، نامه علوم اجتماعی شماره ۲، ۱۳۶۴.
۲. آلن پیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه یاقر ساروخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۳. صندوق مطالعاتی توسعه کشاورزی با طرح پژوهشی در نظام‌های بهره‌برداری در کشاورزی ایران، بانک کشاورزی، ۱۳۶۶، ص ۵.
۴. معاونت امور نظام‌های و بهره‌برداری: نگاهی کلی به مسایل نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در چند کشور نمونه، وزارت کشاورزی ۱۳۷۲.
۵. مصطفی ازکیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، اطلاعات، ۱۳۶۴.
۶. همان مأخذ.
۷. مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران، اطلاعات، ۱۳۶۵.
۸. صندوق مطالعاتی توسعه کشاورزی، طرح پژوهش نظام‌های بهره‌برداری در ایران، پیشین، ص ۸.
۹. الکساندر چایانوف، درباره نظریات نظام‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری، پلی‌کی، ۱۰.
۱۰. صندوق مطالعاتی توسعه کشاورزی، پیشین.
۱۱. گالسکی، «نظام‌های بهره‌برداری جمعی» در کتاب جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه مصطفی ازکیا و همکاران، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۸.
۱۲. ردولف، استیون هیگن، نیازهای دهقانان و استراتژی توسعه روستایی، ترجمه علی رضوی، یاسمین قریشیان، مرکز مطالعات درون‌زا، ۱۳۵۵.
۱۳. مصطفی ازکیا، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران، پیشین.
۱۴. مصطفی ازکیا و همکاران، جامعه‌شناسی روستایی، مجموعه مقاله، روزبهان، ۱۳۶۸.
۱۵. بانک کشاورزی، صندوق مطالعاتی توسعه کشاورزی، طرح پژوهش نظام‌های بهره‌برداری در کشاورزی ایران، جلد یکم، تهران، ۱۳۶۶، فصل پنجم، ص ۵-۱۳.
۱۶. همان مأخذ.